

رهیافتی بر معیارهای باز آفرینی فضاهای عمومی با تأکید بر رفتار اجتماعی شهروندان (نمونه موردی: خیابان‌های شاخص حوزه میانی غربی شهر مشهد)

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۶/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۶/۰۹

نرجس سادات فاطمی (دانش آموخته دوره دکترای شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، دانشکده هنر و معماری، قزوین، ایران)

منوچهر طبیبیان* (استاد، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، قزوین، ایران)

چکیده:

فضاهای عمومی شهری یکی از ملزومات زندگی در شهرها می‌باشد که گاهی اوقات به فراموشی سپرده می‌شوند، لذا یکی از بهترین راه‌ها، بازیابی این فضاها و به دیگر بیان احیا و بازآفرینی این فضاها است. میزان موفقیت فضاهای عمومی با میزان استفاده از آن فضا و حضور انسان و زندگی اجتماعی در آن متناسب است. هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی معیارهای تأثیرگذار بر بازآفرینی فضای عمومی و زندگی اجتماعی در خیابان است. بدین منظور متغیرهای متعددی نظیر تنوع فعالیتی، انعطاف‌پذیری، اجتماع‌پذیری، موقعیت فضاهای عمومی، پویایی، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از الگوهای رفتاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تحقیق حاضر از نوع کاربردی می‌باشد و روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. از طرفی جهت جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه محقق ساخته و برای تحلیل داده‌های تحقیق از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، شامل تمامی ساکنین و استفاده‌کنندگان از خیابان احمدآباد، سجاد، کوهسنگی و شهید قزنی شهر مشهد می‌باشد و حجم نمونه انتخابی طبق فرمول کوکران، با توجه به نامعلوم بودن حجم جامعه مخاطب و واریانس جامعه، ۴۰۰ نفر به دست آمد. نتایج بدست آمده از تحقیق حاکی از آن است که مؤلفه‌های عملکردی تأثیر مستقیم بر بازآفرینی فضاهای عمومی دارند، از طرفی خیابان سجاد بیشترین رتبه را در هر سه معیار رفتار، کالبد و عملکرد به خود اختصاص داده است. بعد از آن خیابان احمدآباد در رتبه دوم، خیابان کوهسنگی در رتبه سوم و خیابان شهید قزنی در رتبه چهارم قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: بازآفرینی، فضاهای عمومی، زندگی اجتماعی، شهر مشهد

۱- مقدمه

بازآفرینی شهری فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و عملکردی) منجر می‌شود. میزان موفقیت فضاهای عمومی با میزان استفاده از آن فضا و حضور انسان و زندگی اجتماعی در آن متناسب است. توجه به نقش فضاهای شهری اجتماع پذیر و انسان مدار در ساختار شهر، قدمتی دیرینه در تاریخ شهرسازی داشته و چنین فضاهایی در ادوار مختلف به اشکال گوناگون در شهرها حضور یافته و سبب شکل‌گیری بافت‌های شهری سرزنده شده است. بازیابی فضاهای عمومی با کمک مسائل اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. از این میان توجه به الگوهای رفتاری شهروندان و تقویت آن می‌تواند نقش مؤثری در احیا این فضاها داشته باشد. یکی از اهداف طراح شهری، ایجاد محیط‌هایی است که الگوهای رفتار خاصی را برای افراد یا گروه‌هایی از مردم تأمین کنند. از قابلیت‌های محیط تأمین فعالیت‌های حرکتی و فراهم آوردن آسایش فیزیولوژیک است. محیط باید به گونه‌ای طراحی شود که پاسخگوی نیازهای گروه‌های مختلف بهره‌بردار باشد. اگر طرح یک فضا به الگوهای رفتار مردم و نیازهای آنها پاسخ نگوید، یا سرپناهی را برای فعالیت‌ها به وجود نیابد به شکل جبری عمل خواهد کرد و متقابلاً استفاده و بهره‌وری از فضاهای عمومی به شدت کاهش خواهد یافت. لذا توجه به عواملی که بهره‌وری از فضاهای عمومی را قوت بخشیده، از اهمیت بالایی برخوردار است.

پژوهش حاضر به دنبال مفهوم شناسی رویکرد بازآفرینی فضاهای شهری و زندگی اجتماعی در خیابان با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی است. بدین منظور متغیرهای متعددی نظیر تنوع فعالیتی، انعطاف‌پذیری، اجتماع‌پذیری، موقعیت فضاهای عمومی، پویایی، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از الگوهای رفتاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش، مفهوم بازآفرینی شامل دو مؤلفه اصلی کالبدی و عملکردی می‌باشد که ارتباط بین مفاهیم و ابعاد نامبرده با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجا که هر پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالات و فرضیات ایجاد شده در ذهن محقق می‌باشد، لذا تحقیق حاضر در پی بررسی و کنکاش فرضیات زیر می‌باشد:

- ایجاد و احیا فضای عمومی می‌تواند بستر مناسبی برای مشارکت شهروندان، برخوردهای اجتماعی، حضورپذیری و تنوع رفتارهای اجتماعی فراهم نماید.
- به نظر می‌رسد، خیابان سجاد در محدوده مورد مطالعه (حوزه میانی غربی شهر مشهد) وضعیت مناسب‌تری در مؤلفه‌های بازآفرینی فضای عمومی داراست.

مبانی نظری پژوهش

- بازآفرینی

گل^۱ در زمینه فضاهای عمومی مطالعات زیادی انجام داده است وی فعالیت‌های اجتماعی را یکی از ملزومات دستیابی به فضاهای عمومی موفق دانسته و بهترین فرصت برای تعامل را یک فعالیت می‌داند.

از نیمه دوم قرن بیستم رویکردهای مختلف و متفاوتی برای بهبود و سامان‌دهی به وضعیت شهرها و محله‌ها در دستور کار قرار گرفت؛ دهه ۱۹۵۰ رویکرد بازسازی، ۱۹۶۰ باززنده سازی، ۱۹۷۰ نوسازی، ۱۹۸۰ تجدید حیات، ۱۹۹۰ بازآفرینی و ۲۰۰۰ نوزایی شهری (عندلیب، بیات و رسولی، ۱۳۹۲: ۸۱).

مسئله بازآفرینی و فضاهای عمومی آنقدر مهم بوده که اندیشمندانی نظیر: سای پامیر^۲ (۲۰۰۴)، رابرت^۳ (۲۰۰۰)، کرمونا^۴ (۲۰۰۳)، تیسدل^۵، کار^۶ و همکاران^۷ (۱۹۹۲)، گل^۸ (۱۹۹۶)، بنرجی^۹ (۲۰۰۱)، هابرماس^{۱۰} (۱۹۶۲)، سرگئی چرمایف^{۱۱} (۱۹۶۴)، هال^{۱۲} (۲۰۰۲)، رلف^{۱۳} (۱۹۷۶)، شولتز^{۱۴} (۱۹۷۵)، کانتر^{۱۵} (۱۹۷۷)، جیکوبز^{۱۶} (۱۹۶۱) و لینچ^{۱۷} (۱۹۸۱) آن را به عنوان عاملی حیاتی در فضای شهری، یاد می‌کنند.

در ادبیات اخیر دنیا، واژه "بازآفرینی شهری" به عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان بخشی را دربرمی‌گیرد، به کار می‌رود. بازآفرینی شهری فرایندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌گردد. در این اقدام فضای شهری جدیدی حادث می‌شود که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با

¹⁻ Gehl

²⁻ Cyrill B. Paumier

³⁻ Robert

⁴⁻ Matthew Carmona

⁵⁻ Tisdell

⁶⁻ Carr

⁷⁻ Jan Gehl

⁸⁻ Banerjee

⁹⁻ Habermas

¹⁰⁻ Serge Ivan Chermayeff

¹¹⁻ Hall

¹²⁻ Edward Relph

¹³⁻ Christian Norberg Schulz

¹⁴⁻ David Counter

¹⁵⁻ Jane Jacobs

¹⁶⁻ Kevin Lynch

فضای قدیم به نمایش می‌گذارند. بازآفرینی (معاصرسازی) یعنی تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه و ویژگی‌های نو که همگی در ایجاد روابط شهری جدید و یا تعریف دوباره روابط شهری کهن یا موجود مؤثر می‌افتد. در این رویکرد توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی و حفظ ثروت‌های بومی و تاریخی، انتقاد از ساخت و سازهای دارای یک نوع کاربری به جای کاربری‌های متعدد، توجه به اقدامات کیفی به موازات اقدامات کمی، مشارکت گروه‌های اجتماعی در فرآیند بازآفرینی و غیره مشهود می‌باشد (پور احمد، حبیبی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۷۴). باید توجه کرد که طبق نظر بنتلی^۱ (۱۹۷۶) حس مکان و حس تعلق بخشیدن به فضا اتفاقی نبوده و مردم فقط به فضاهایی که تحت کنترل آنهاست رنگ تعلق می‌دهند. اما امروزه به علت کمبود وقت و کاهش میزان توقف و مکث در فضاهای عمومی، میزان درک و تعلق کاهش یافته است (پورجعفر و محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۳).

می‌توان از تجربه ابتکارات صورت گرفته در ۲۰ سال گذشته به هفت اصل پایه برای اصلاح و بازآفرینی موفق شهری دست یافت. این اصول عبارتند از:

- بهبود تنوع کاربری (استفاده) - تشویق فشردگی^۲ - ایجاد تراکم توسعه
- اطمینان حاصل نمودن از توازن فعالیت‌ها - بالا بردن سهولت دسترسی
- آفرینش پیوندهای عملکردی - ساختن یک سامانه هویتی مثبت

زندگی اجتماعی در فضاهای باز شهری

فعالیت‌های اجتماعی پاسخگوی یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان یعنی در کنار جمع بودن است که در عین حال خود زمینه‌هایی برای پاسخگویی به نیازهای برتر انسان از جمله خویشن‌یابی، احساس عزت نفس و حرمت ذات است که در نهایت شکوفایی و رشد او را به همراه دارد. حضور مثبت افراد در فضاهای شهری سطح تعاملات مثبت اجتماعی را بالا می‌برد، به گونه‌ای که فضاهای مطلوب تمایل به حضور افراد را افزایش می‌دهند (خلیل‌اللهی، ۱۳۹۳: ۱). کیفیت فضای عمومی بر فرد و اجتماع تأثیر می‌گذارد و معیار سنجشی برای میزان مطلوبیت شهرها محسوب می‌شود و به واسطه مقیاس عملکردی و طیف متنوع و گسترده مخاطبین خود دارای بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان هستند (موحد، شمعی و اسدی، ۱۳۹۵: ۷۴).

¹Bentley

² Compactness

نظریه‌پردازان و طراحان شهری، با عبارات مختلفی به بیان عوامل مؤثر در تقویت زندگی اجتماعی و افزایش حضور مردم در فضا پرداخته‌اند. کالن به "حس اکتشاف" و "جذبه و رازآمیزی" در شهر و فضاهای شهری ضمن یکپارچگی در کلیتی منسجم توجه می‌کند و هدف طراحی شهری را ارتقای کیفیت‌های اجتماعی و زندگی اجتماعی شهروندان و همچنین لزوم توجه هماهنگ به فرم و ساختار شهر و عوامل انسانی می‌داند (Cullen, 1961: 57). نویترا^۱ کالبد شهری را مورد پژوهش قرار می‌دهد و بر نقش مبلمان در شکل‌گیری مفهوم روان‌بوم (روان مکان^۲) را به معنای نقاطی برای آرامش روانی انسان مطرح می‌کند که به شهروند یاری می‌رساند تا بتواند نقش و تأثیر شهر بر شکل‌گیری شخصیتش را بیابد (Mitcherlich, 1963: 15).

مکتب افراد در فضا خود باعث جذب افراد بیشتری به فضا شده و زندگی اجتماعی را تقویت می‌کنند (Gehl, 2010). منظور از زندگی اجتماعی در این پژوهش، تنها تعاملات اجتماعی رودررو و مستقیم افراد نیست حتی نگاه کردن و شنیدن دیگران و فعالیت‌هایشان نیز جزئی از زندگی اجتماعی محسوب می‌شود.

منظور از تقویت زندگی اجتماعی در فضای شهری، در واقع افزایش فرصت حضور مردم در فضاست، بنابراین برخلاف برداشت احتمالی اولیه طراحی شهری معطوف به تقویت زندگی اجتماعی، لزوماً افزایش آشنایی‌ها و دوستی‌ها و ایجاد روابط عمیق نیست. بلکه در پی ایجاد فضاهایی است که فرد با اطمینان از حفظ فردیت خویش می‌تواند در آنها حضور بیابد و زمانش را با دیگران سپری کند (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲).

ویولیچ در مقاله خود تحت عنوان "قرائت شهری و طراحی مکان‌های شهری کوچک" در سال ۱۹۸۳ میلادی، در بین کیفیات مطلوبی که در طراحی شهری باید مورد توجه قرار گیرد، آزادی انتخاب و امکان زندگی اجتماعی در مقابل زندگی خصوصی را مطرح می‌کند (گلکار، ۱۳۷۹: ۳۲). ویلیام وایت سال‌ها به مطالعه زندگی در فضای شهری کوچک پرداخته و معتقد است که استفاده از فضا، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های موفقیت آن است. او در کتاب خود "زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک" به بیان عواملی می‌پردازد که باعث می‌شود مردم از فضاهای شهری استفاده کنند:

۱- فضاهای شهری باید فضای نشستن برای مردم فراهم کنند. هر جا جایی برای نشستن باشد مردم می‌نشینند.

¹ Richard Neutra

² Psycho top

- ۲- ایجاد آسایش اقلیمی و استفاده از طبیعت (آب و درخت) در فضای شهری استفاده از آن را افزایش می‌دهد.
- ۳- ایجاد فضاهایی برای غذا خوردن در جلب مردم به فضا بسیار مؤثر است. در واقع، اگر بنا باشد افراد توفقی طولانی در فضا داشته باشند، تأمین فضاهایی برای غذا خوردن ضروری خواهد بود.
- ۴- فراهم آوردن فرصتهایی که باعث گرد هم آمدن مردم می‌شود در تقویت زندگی اجتماعی نقش اساسی دارد (Whyte, 1980).
- وایت بر این باور است که زندگی اجتماعی در فضاهای عمومی اساساً به بهبود کیفیت زندگی افراد و جامعه کمک می‌کند، تأکید بر نقش اجتماعی فضاهای شهری دارد (کارمونا، ۱۳۹۰). همچنین جین جیکوبز برای ایجاد تنوع و بازگرداندن زندگی اجتماعی به شهرها، وجود کیفیاتی چون ایمنی و امنیت، اختلاط کاربری و فعالیت، مقیاس انسانی و وجود دلیل مکث را ضروری می‌داند (Jacobs, 1961).
- در سال ۱۹۸۱م. کتاب "خیابان‌های قابل زندگی" دونالد اپلیارد منتشر شد. بر مبنای این کتاب: اگر شرایط، دعوت کننده باشد و زندگی اجتماعی به وسیله ترافیک تضعیف نشود، مطالعات نشان می‌دهد زندگی اجتماعی می‌تواند در خیابان‌ها جان گرفته و آشکار شود (گل و سوار، ۱۳۹۴: ۵۵).
- از نظر ویکاس مهتا در کتاب‌های "خیابان‌های سرزنده" و "مکان سوم و زندگی اجتماعی خیابان"، فضای شهری خوب پاسخگو، دموکراتیک و معنادار است. جذابیت فضاهای عمومی وابسته به میدان‌های شهری سنتی نیستند، بلکه یک فضای عمومی خوب، سلامت روانشناختی و جامعه شناختی جوامع مدرن را می‌طلبد (Mehta, 2014). ژان پیر موره، فضاهای شهری را مکانی‌های مختص زندگی اجتماعی شهروندان می‌داند که دارای کاربری‌های: تردد، تفریح، بازی، ملاقات و... است.
- فضاهای باز با ارزشی که در ترغیب ملاقات‌ها و بحث و گفت‌وگو مؤثر بوده و ساکنان را از محیط‌های خصوصی و انزواگرایی، به محیط‌های جمعی و پرنشاط دعوت می‌نمایند. این فضاها، به عنوان بخشی از عرصه‌ی فعالیت‌های عمومی مطرح بوده و عامل رشد و پویایی یک اجتماع هستند (عبداله زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۹).
- در آثار نظریه‌پردازان و پروژه‌های عملی که هدف تقویت تعاملات اجتماعی را دنبال می‌کرده‌اند، کیفیات متعددی مورد توجه قرار گرفته است که در جدول شماره ۱ این اندیشمندان و کیفیت‌های مربوطه مشخص شده است. آنچه بیان شد تأکید بر اهمیت زندگی

اجتماعی شهروندی و فصل مشترک پژوهش‌ها و نظریات اندیشمندان مختلف است که فضاهای عمومی شهری باید مکانی برای تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی باشند.

جدول شماره ۱- کیفیات تقویت زندگی اجتماعی از دیدگاه نظریه پردازان و پروژه‌های اجرا شده

دسترسی	پایه مدارای	ایمنی و امنیت	آسایش اقلیمی	امکان مکث طولانی	انعطاف پذیری	اختلاط کاربری و فعالیت	وجود دلیل مکث	شخصیت بصری	خوانایی کالبد	غضای حسی	پایداری محیط
		✓				✓	✓				
		✓					✓		✓	✓	
			✓	✓			✓				
		✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
✓	✓	✓	✓	✓		✓	✓	✓			✓
		✓	✓				✓	✓			
✓		✓			✓	✓			✓	✓	

مأخذ: جمع بندی نگارنده از منابع مختلف، ۱۳۹۶

فضاهای عمومی

فضای شهری ظرف و مکان بروز زندگی اجتماعی افراد جامعه است که براساس پایه‌های فکری خردگرایانه، مشارکت مدنی آحاد جامعه و رفتارهای جمعی شکل گرفته بر پایه ارزش‌های انسانی شکل می‌گیرد (پارسی، ۱۳۸۱: ۴۵).

ایجاد فضای شهری امری تدریجی است نه آنی. عرصه عمومی چه از بعد مفاهیم جامعه شناسی و چه از بعد مفاهیم کالبدی و عینی، پیش‌زمینه ایجاد فضای شهری است (میثاقیان، ۱۳۸۸: ۱۷). فضای شهری به عنوان یک فصل مشترک عمومی و قابل دسترس برای مردم، پهنه‌ای مهم برای تجمع‌های بزرگ سیاسی، تظاهرات و اعتراضات و نیز فعالیت‌های جزئی‌تر و به نمایش گذاشتن وقایع و اعتراضات فراهم می‌آورد (گل، ۱۳۹۲: ۲۹). اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی بر پایه نیاز مردم به حس تعلق اجتماعی و تعامل با یکدیگر قرار داشته و این امر در یک فضای اجتماعی حمایت‌کننده در کنار تأمین آسایش فیزیولوژیکی، ادعای قلمرو، حس مالکیت و دریافت عدالت در فضا، میسر خواهد بود. فضای اجتماع‌پذیر را میتوان فضایی سرزنده دانست که مردم داوطلبانه و با رغبت در آن حضوری همیشگی می‌یابند (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴: ۹۶).

مسیری که انسانی، پویا و زنده است، سبب رونق حیات اجتماعی می‌گردد و هویت بخش و خاطره‌ساز است و خود به عنوان یکی از عرصه‌های جمعی، صحنه نمایش شهر است و به عبارتی، هم "مقصد" است و هم "معبر" (قدیری، ۱۳۹۲). باید توجه نمود که خیابان‌ها باید در کنار عملکرد شهری، عملکردهای فرهنگی، اجتماعی، تفریحی و... داشته باشند (کربلایی حسینی و بهزادپور، ۱۳۹۶: ۱۱۲).

در تبیین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فضاهای عمومی موفق، مطالعات و دیدگاه‌های فراوانی طی دهه‌های اخیر وجود دارد. جیکوبز^۱ و کسانو^۲ مثل گل^۳ (۱۹۸۹) و کوک^۴ (۱۹۸۰) عقیده دارند که فضاهای شهری موفق به زندگی خیابانی و فعالیت‌هایی که در ساختمان‌ها و فضاها جریان دارد وابسته است. نزدیک به چنین احساسی را پیتر بوکانان^۴ از موضوع فضاهای شهری دارد که می‌گوید: "طراحی شهری صرفاً خلق فضاست، اما هر فضایی به خاطر فعالیت‌هایی که در آن جریان دارد موجودیت می‌یابد." (رفیعی، رضوانی و کریمی مشاور، ۱۳۹۲: ۱۱).

بنابراین در فضای شهری موفق باید ۳ رکن ضروری با هم همراه باشند: فضای فیزیکی، تجربه حسی و فعالیت‌های انسانی (صدیق و حسینی، ۱۳۸۹: ۳۳۸).

¹ Jane Jacobs

² Gehl

³ Cook

⁴ P. Bochanan

خیابان مهم‌ترین فضای عمومی شهری

فضاهای عمومی شهری در کلی‌ترین تعبیر به عنوان بازتاب کالبدی عرصه عمومی شهرهای کنونی مطرح‌اند (مسعودی، ۱۳۸۶: ۷۸). خیابان نقش مهمی را در ایجاد شبکه هم‌پیوندی از فضاهای باز و عمومی شهری و در نتیجه شکل‌گیری هویت ایفا می‌کند. کیفیتی که از شهر برداشت می‌شود، بیش از هر چیزی بستگی به کیفیت خیابان‌های آن دارد (کربلایی حسینی و بهزادپور، ۱۳۹۶: ۱۱۲). مهم‌ترین فضاهای همگانی هسته مرکزی شهر خیابان‌های آن هستند که فضای بین بر ساختمان‌ها در دو سوی معبر، شامل پیاده‌روها را، دربرمی‌گیرند. به دلیل در معرض دید بودنشان، خیابان‌ها می‌توانند نقش مهمی در ایجاد یک تصویر منسجم، واحد و مثبت از شهر ایفا کنند.

خیابان‌ها نسبت به دیگر مکان‌های عمومی، بخش اعظمی از فضاهای شهری را به خود اختصاص می‌دهند و این حدود ۲۵ تا ۳۵ درصد از کل اراضی توسعه یافته می‌باشد (بی. جیکوبز، ۱۳۸۸: ۴۴). بدون شک خیابان‌ها از جمله عناصر بسیار مهم در یک شهرند و قلمروهای عمومی شبکه‌ای از فضاها، گوشه و زوایایی هستند که مردم آزادانه در آنها در حرکت هستند، همدیگر را ملاقات می‌کنند، دور هم جمع می‌شوند و به راحتی یکدیگر را می‌بینند (صدیق و حسینی، ۱۳۸۹: ۴۷).

خیابان‌ها مکان‌هایی هستند که تعاملات اجتماعی و جنب و جوش شهری در آنها به حداکثر کمی و کیفی خود رسیده، ذهن شهروندان را انباشته از خاطرات و ذهنیتی مشترک راجع به نوع و چگونگی حیات مدنی می‌گردانند (موحد، شمعی و اسدی، ۱۳۹۵: ۷۲). حال امروزه نقش خیابان به عنوان مکانی برای تعاملات اجتماعی، دیدارها، برخوردها و صحنه حضور شهروندان شدیداً تضعیف شده است. در عوض خیابان تبدیل به کانالی صرفاً برای گذر و سرشار از دود، آلودگی، ترافیک و انواع مزاحمت‌های خواسته و ناخواسته گردیده است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۳). با این نگاه، طراحی خیابان به عنوان یکی از مکان‌های همگانی بیرونی که محور دغدغه خاطر زندگی جمعی مردم است، در این تحقیق مورد بررسی و توجه قرار گرفته است.

۲- روش بررسی

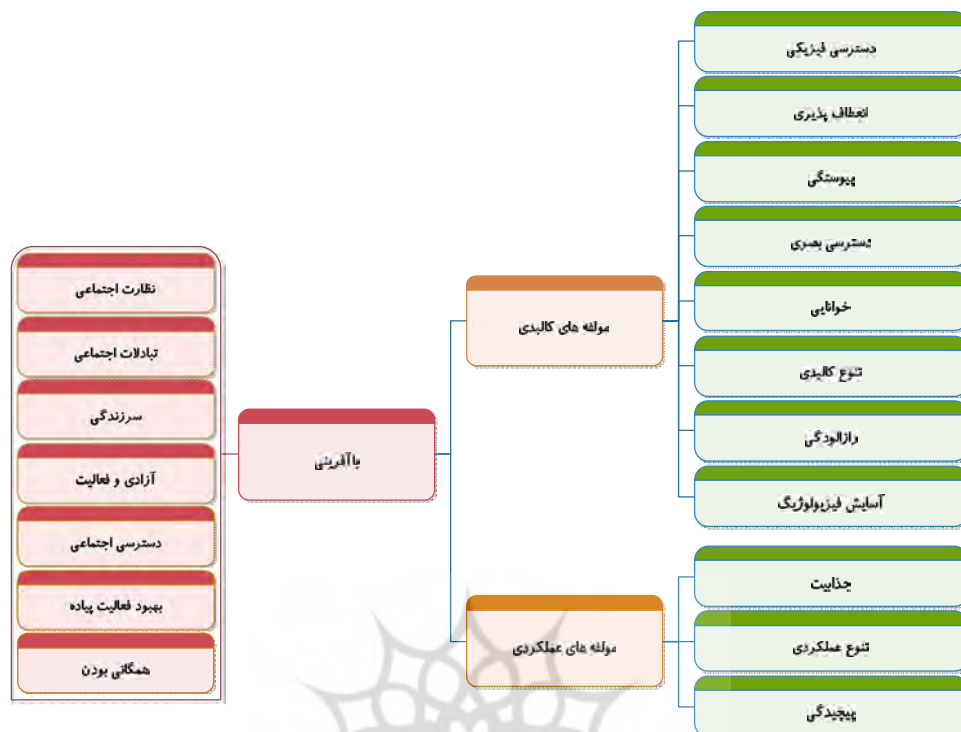
تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش انجام پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های اسنادی (جهت تبیین شاخص‌ها) و میدانی یا پیمایشی (مشاهده و پرسشنامه) استفاده شده است. لذا ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته

می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، شامل ساکنین و استفاده‌کنندگان از خیابان‌های احمدآباد، کوهسنگی، سجاد و شهید قرنی که در حوزه جنوب غرب شهر مشهد می‌باشند، است. با توجه به مشخص نبودن حجم جامعه از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت برآورد ۰٫۰۱، استفاده شد که حجم نمونه ۴۰۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده و در دسترس صورت گرفته‌است. در ادامه، پرسشنامه‌ای در قالب ۷ شاخص مربوط به بازآفرینی، ۸ شاخص در قالب مؤلفه‌های کالبدی و ۳ شاخص در قالب مؤلفه‌های عملکردی در قالب درجه‌بندی لیکرت و به صورت پنج درجه‌ای (بسیار خوب تا بسیار ضعیف)، تدوین شد. برای تجزیه و تحلیل و پردازش اطلاعات از نرم افزار Spss-19 استفاده شده است.

سطح پایایی پرسشنامه تحقیق با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای هر یک از مؤلفه‌ها و معرف‌ها به‌دست آمد. با توجه به مفروضات موجود، اگر ضریب آلفای کرونباخ ۰٫۷ یا بیشتر باشد از پایایی مطلوبی برخوردار است در صورتی که ضریب آلفای کرونباخ بین ۰٫۵ و ۰٫۷ باشد اعتبار سؤالات در حد متوسط ارزیابی می‌شود و ضریب کمتر از ۰٫۵ فاقد پایایی است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده به صورت آمار استنباطی (آزمون کروسکال والیس) صورت گرفته است. همان‌طور که گفته شد رویکرد منتخب در این پژوهش، ترکیبی از راهبردهای کمی و کیفی است و در آن وزن اصلی کار تحقیق بر رویکرد کیفی بر اساس نظریات یان گل و ویکاس مهتا استوار خواهد بود. لذا در بخش مطالعات کتابخانه‌ای با بررسی پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با فضاهای عمومی و الگوهای رفتاری و مؤلفه‌های مربوط به آنها و نیز مطالعه مبانی نظری و نظریات افرادی نظیر راپاپورت، اپلیارد، کرمونا، لنگ، گل، مهتا و... چارچوب نظری تدوین می‌گردد. نمودار شماره ۱ مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به پژوهش را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی



نمودار شماره ۱- مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به تحقیق (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶)

معرفی محدوده مورد پژوهشی

محدوده مورد مطالعه (تصویر شماره ۱) در این تحقیق، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های برنامه‌ریزی شهر مشهد، حوزه میانی غربی است. خیابان‌های احمدآباد، سجاد، کوهسنگی و شهید قری واقع در این حوزه، به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین محورهای تجاری در مرکز شهر مشهد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.



تصویر شماره ۱- موقعیت محدوده مطالعاتی (مأخذ: Google Maps)

۳- نتایج و بحث

همانطور که ذکر شد، در پژوهش حاضر سه معیار اصلی رفتار، کالبد و عملکرد تعریف شده است و هر یک از این معیارها دارای زیرمعیارهایی هستند که به وسیله آنها تحلیل بازآفرینی شهری صورت می‌گیرد. نتایج تحلیل معیارهای پژوهش با تکیه بر نتایج آمار استنباطی حاصل از جمع‌آوری پرسشنامه به تفصیل در ذیل آمده است. لذا با کمک آزمون کروسکال والیس به رتبه‌بندی معیارها و زیرمعیارها در هر یک از نمونه‌های موردی پرداخته شده است.

آزمون کروسکال- والیس که یک آزمون غیر پارامتری و از سری آزمون‌های آنالیز واریانس محسوب می‌شود که برای مقایسه‌های سه و بیشتر از سه گروه استفاده می‌شود. آنالیز واریانس یک طرفه کروسکال- والیس با استفاده از رتبه‌ها آزمون فوق‌العاده مفیدی برای تصمیم‌گیری درباره این است که آیا چهار گروه نمونه مستقل ما از جامعه‌های آماری مختلف آمده اند یا نه؟

در این آزمون همه چهار نمونه را روی هم ریخته تا ۴۰۰ مشاهده به دست آید سپس هر یک از ۴۰۰ مشاهده را به صورت رتبه در آورده‌ایم. کوچکترین مقدار رتبه‌ی یک و بیشترین مقدار رتبه‌ی چهارصد را به خود اختصاص داده است. سپس برای هر یک از چهار گروه، مجموع رتبه‌ها را محاسبه می‌کنیم. فرضیه صفر در این آزمون بر خلاف فرض مقابل آن، تأکید بر عدم اختلاف بین گروه‌ها دارد.

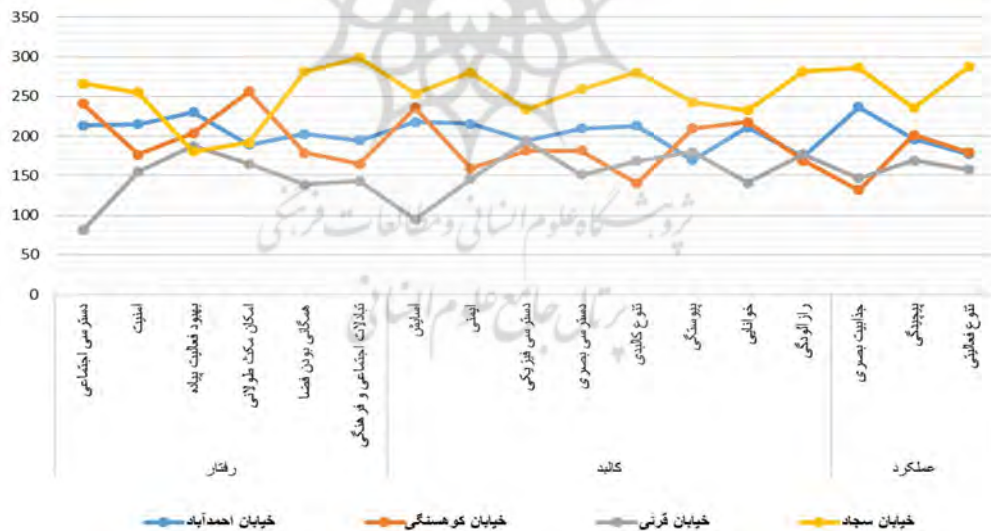
جدول شماره ۳، مقایسه میزان هر یک از معیارها و زیرمعیارها را در بین چهار خیابان مختلف را نشان می‌دهد. به این منظور ۴۰۰ نفر از ۴ خیابان مختلف را انتخاب و پرسشنامه محقق ساخته بین آنان توزیع شد که نتایج را در جداولی که در ادامه آمده است مشاهده می‌نمایید.

جدول ۳ - نتایج آزمون کروسکال والیس در رابطه با زیر معیارها در چهار خیابان مورد مطالعه

معیار	زیرمعیار	مؤلفه	آماره‌های آزمون				رتبه‌بندی نمونه‌ها		
			رتبه آزادی	سطح معناداری	احتمال آید	کوشنگی	رتبه	شماره	
رفتار	رفتار	دسترسی اجتماعی	۳	۰,۰۰	۲۱۳	۲۴۰	۸۱	۲۶۶	
		امنیت	۳	۰,۰۰	۲۱۵	۱۷۶	۱۵۵	۲۵۵	
		بهبود فعالیت پیاده	۳	۰,۰۱۱	۲۳۰	۲۰۳	۱۸۷	۱۸۰	
		امکان مکث طولانی	۳	۰,۰۰	۱۸۹	۲۵۶	۱۶۴	۱۹۱	
		همگانی بودن فضا	۳	۰,۰۰	۲۰۲	۱۷۹	۱۳۸	۲۸۱	
		تبادلات اجتماعی و فرهنگی	۳	۰,۰۰	۱۹۴	۱۶۴	۱۴۲	۲۹۹	
		آسایش	۳	۰,۰۰	۲۱۷	۲۳۵	۹۵	۲۵۳	
		ایمنی	۳	۰,۰۰	۲۱۵	۱۵۹	۱۴۶	۲۸۰	
بازآفرینی	کالبد	دسترسی فیزیکی	۳	۰,۰۰۸	۱۹۳	۱۸۱	۱۹۳	۲۳۳	
		دسترسی بصری	۳	۰,۰۰	۲۰۹	۱۸۱	۱۵۱	۲۵۹	

رتبه‌بندی نمونه‌ها				آماره‌های آزمون			مؤلفه	زیر معیار	معیار
سجاد	قرنی	کوهسنگی	احمدآباد	سطح معناداری	درجه آزادی	کی دو			
۲۸۰	۱۶۸	۱۴۰	۲۱۲	۰,۰۰	۳	۸۳	تنوع کالبدی	عملکرد	
۲۴۲	۱۸۰	۲۰۹	۱۶۹	۰,۰۰	۳	۲۴	پیوستگی		
۲۳۲	۱۴۱	۲۱۷	۲۱۱	۰,۰۰	۳	۳۷	خوانایی		
۲۸۱	۱۷۷	۱۶۹	۱۷۳	۰,۰۰	۳	۶۶	رازاآلودگی		
۲۸۶	۱۴۷	۱۳۱	۲۳۶	۰,۰۰	۳	۱۲۲	جذابیت بصری		
۲۳۵	۱۶۸	۲۰۱	۱۹۶	۰,۰۰۱	۳	۱۷	پیچیدگی		
۲۸۷	۱۵۷	۱۷۹	۱۷۷	۰,۰۰	۳	۷۸	تنوع فعالیتی		

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶



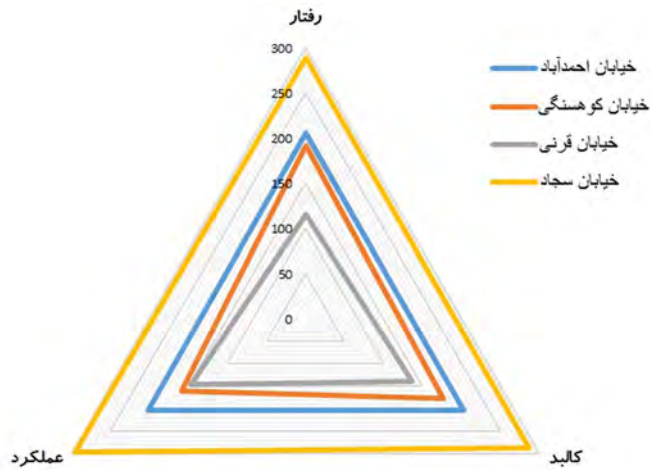
نمودار شماره ۲- رتبه‌بندی نمونه‌های مورد مطالعه در بین زیرمعیارها
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶)

در جدول ۳ در ستون اول، آماره‌های آزمون کروسکال والیس شامل سطح معناداری، درجه آزادی و آماره کی دو؛ و در ستون دوم میانگین رتبه‌های هر یک از زیرمعیارها را در چهار نمونه مورد مطالعه می‌بینید. همان‌گونه که در این جدول شاهد هستید می‌توان مقدار آماره مربع کی را با ۳ درجه آزادی و همچنین سطح معنی‌داری آزمون P-Value را با مقدار صفر یا کمتر از ۰,۰۵ مشاهده کرد که نشان از رد شدن فرض H_0 دارد. با توجه به خروجی بالا، نتیجه نهایی این است که نتایج زیرمعیارها در بین چهار خیابان مختلف متفاوت است. با توجه به نمودار شماره ۲، خیابان سجاد در بین اکثر زیرمعیارها بیشترین رتبه را به خود اختصاص داده است، تنها در دو زیرمعیار "بهبود فعالیت پیاده" و "امکان مکث طولانی" پایین‌تر از سایر نمونه‌ها قرار گرفته است. خیابان کوهسنگی در زیرمعیار "امکان مکث طولانی" بالاترین رتبه در بین سایر نمونه‌ها را به خود اختصاص داده و خیابان احمدآباد نیز در زیرمعیار "بهبود فعالیت پیاده" بیشترین رتبه را دارد. خیابان شهید قرنی در دو مؤلفه آسایش محیطی و دسترسی اجتماعی پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص داده است.

جدول ۴- نتایج آزمون کروسکال والیس در رابطه با معیارها در چهار خیابان مورد مطالعه

رتبه‌بندی نمونه‌ها				آماره‌های آزمون			زیرمعیار	معیار
				سطح معناداری	درجه آزادی	کی دو		
سجاد				۰,۰۰۰	۳	۱۱۵,۰۹ ۱	رفتار	رفتار
۲۸۶,۱ ۱	۱۳۷,۰ ۷	۱۷۵,۸ ۳	۲۰۲,۹ ۹	۰,۰۰۰	۳	۸۹,۵۶۹	کالبد	بازآفرینی
۲۹۵,۳ ۲	۱۴۶,۲ ۶	۱۵۸,۷ ۲	۲۰۱,۷ ۱	۰,۰۰۰	۳	۱۰۲,۴۳۲	عملکرد	ی

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۶



نمودار شماره ۳- رتبه‌بندی نمونه‌های مورد مطالعه در بین معیارهای اصلی
(مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶)

جدول شماره ۴، آماره‌های آزمون و رتبه‌بندی نمونه‌ها در بین سه معیار اصلی را، نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این جدول مشاهده می‌شود می‌توان مقدار آماره مربع کی را با ۳ درجه آزادی و همچنین سطح معنی داری آزمون P-Value را با مقدار صفر مشاهده کرد که نشان از رد شدن فرض H_0 دارد. با توجه به خروجی بالا، نتیجه نهایی این است که نتایج معیارها در بین چهار خیابان مختلف متفاوت است.

با توجه به نمودار شماره ۳، خیابان سجاده بیشترین رتبه را در هر سه معیار رفتار، کالبد و عملکرد به خود اختصاص داده است. بعد از آن خیابان احمدآباد در رتبه دوم، خیابان کوهسنگی در رتبه سوم و خیابان شهید قرنی در رتبه چهارم قرار دارد.

در ادامه به بررسی و آزمون فرضیات مطرح شده در پژوهش پرداخته می‌شود.

فرضیه اول: ایجاد و احیا فضای عمومی می‌تواند بستر مناسبی برای مشارکت شهروندان، برخوردهای اجتماعی، حضورپذیری و تنوع رفتارهای اجتماعی فراهم نماید.

استفاده کنندگان فضا به واسطه حواس پنجگانه خود با محیط ارتباط برقرار کرده و آن را درک می‌کنند. سپس براساس نیاز خود دست به فعالیت زده و درصدد رفع نیاز خود می‌باشند جنبه عینی این فعالیت به صورت رفتار در فضای شهری بروز می‌کند. در بررسی‌های انجام شده مشخص گردید که یکسری شاخص‌های مرتبط با فضای شهری نظیر شاخصهای کالبدی و عملکردی میتواند در ایجاد تنوع رفتارهای اجتماعی شهروند مؤثر باشد.

به طوری که با در نظر گرفتن متغیرهای مستقلی نظیر: تقویت برخوردهای اجتماعی، حضورپذیری و تنوع رفتارهای اجتماعی؛ و متغیر وابسته شامل احیا فضای عمومی می‌توان به تحلیل اثرگذاری‌های متقابل پرداخت (نمودار شماره ۲). نتایج حاکی از آن است که جذابیت فضاهای شهری خیابان سجاد، مردم را برای حضور در فضاهای عمومی تشویق می‌کند و باعث همبستگی درونی فضا، مشارکت و اعتماد اجتماعی می‌شود. افزایش اعتماد اجتماعی سبب افزایش برخوردها و تبادلات اجتماعی بیشتر و در نتیجه حضورپذیری بیشتر افراد در فضا می‌شود. بنابراین افزایش فضاهای مردم‌گرا با هدف افزایش حس کنترل، افزایش تعلق‌پذیری و مشارکت افراد می‌تواند افزایش مشارکت جویی و مسئولیت‌پذیری را در افراد بالا ببرد. این معیارها توأم با وجود تنوع فعالیتی، تنوع کالبدی، قابلیت کشف فضا و حضور فعال و غیرفعال در فضا، با ایجاد خاطرات خوب و ایجاد نوعی تعامل و مکث در فضا باعث افزایش این نوع رفتارها می‌شود. در این گونه فضاها مؤلفه‌های رفتاری شهروندی در فضاهای شهری به دلیل داوطلبانه بودن رفتار، قابل افزایش است و می‌تواند در فضاهای شهری مؤثر باشد. در این صورت است که طراحی مناسب و مطلوب فضاهای شهری می‌تواند به رشد رفتارهای شهروندی و برخوردهای اجتماعی مطلوب کمک نماید و موجبات احیای فضای عمومی را فراهم سازد.

فرضیه شماره ۲: به نظر می‌رسد، خیابان سجاد در محدوده مورد مطالعه (حوزه جنوب غرب شهر مشهد) وضعیت مناسب‌تری در مؤلفه‌های بازآفرینی فضای عمومی داراست. طبق نمودار شماره ۳، خیابان سجاد بیشترین رتبه را در هر سه معیار رفتار، کالبد و عملکرد به خود اختصاص داده، سپس خیابان احمدآباد در رتبه دوم، خیابان کوهسنگی در رتبه سوم و خیابان شهید قری در رتبه چهارم قرار دارد. لذا فرضیه پژوهش اثبات می‌شود.

۴- نتیجه‌گیری

خیابان‌های شهری به عنوان بخش مهمی از فضاهای باز عمومی نیازمند ساماندهی و بهسازی در قالب نوینی می‌باشند به گونه‌ای که موجب افزایش حضور فعال شهروندان شوند. هر شهروند برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی خود نیازمند حضور و فعالیت در فضاهای عمومی و شهری است. بنابراین لازم است تا فضاها و مکان‌ها به نحوی تدارک دیده شوند که بستر لازم برای چنین حضوری فعال گردد. مکان‌های باکیفیت، جاذب شهروندان و فضاهای بی‌کیفیت دافع شهروندان و استفاده‌کنندگان می‌باشند و در نهایت می‌توان گفت که کیفیت

مکان‌های شهری و عمومی بر کیفیت زندگی شهری تأثیرگذار خواهد بود. در همین راستا به منظور شناخت بهتر عوامل مؤثر بر کیفیات طراحی در فضای عمومی و الگوهای رفتاری شهروندان، متغیرهای متعددی مورد بررسی قرار گرفتند که از آن جمله می‌توان به تنوع فعالیت، مقیاس انسانی، اجتماع‌پذیری، توازن فعالیت، اندازه و موقعیت مکانی فضاهای عمومی، موقتی و غیردائم بودن آنها، تنوع و پویایی، تغییر نقش و چهره آن‌ها در ساعات و زمان‌های مختلف، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از الگوهای رفتاری اشاره کرد. به بیان دیگر آنچه این فضاهای عمومی را با مساله مواجه کرده، نادیده انگاشتن نقش مردم در آنها و طراحی بدون توجه به نیازها و تمایلات آنهاست که مستلزم تدوین شاخص‌ها و ارائه راهکارهای اجرایی می‌باشد.

از آنجا که هدف از انجام پژوهش حاضر، بازآفرینی فضاهای عمومی است که بستر شکل‌گیری الگوهای رفتاری خاصی برای افراد یا گروه‌هایی از مردم هستند. از قابلیت‌های محیط تأمین فعالیت‌های حرکتی و فراهم آوردن آسایش فیزیولوژیک است. محیط باید به گونه‌ای طراحی شود که پاسخگوی نیازهای گروه‌های متنوع مخاطبین باشد. تضادها، تنگناها و بحرانهای موجود در استفاده از فضاهای عمومی در شهر در درجه اول ناشی از عدم تطبیق فضاهای موجود با الگوهای رفتاری گروه‌های استفاده‌کننده از این فضاها است، این موضوع می‌تواند یکی از عوامل تضعیف‌کننده حس تعلق در شهر باشد. لذا بازآفرینی خیابان‌های مورد مطالعه در این پژوهش در انطباق با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از آنها می‌تواند سهم بسزایی در ارتقای جایگاه خیابان در سطح شهرهای ما داشته باشد. به طور خاص در شهر مشهد که کمتر در احیای خیابان‌ها، کمتر به انطباق‌پذیری با الگوهای رفتاری پرداخته شده است. این بررسی به نتایج مختلفی دست یافته است:

- از آنجا که موفقیت خیابانها در گرو استفاده مردم از آنهاست، بنابراین اگر فضا امکان انتخاب رفتارهای متنوعی را فراهم کند، افراد بیشتری پاسخ نیازها و تمایلات خود را در فضا خواهند یافت و جمعیت بیشتری دلیلی برای حضور و مکث در فضا خواهند داشت. نظیر آنچه که در خیابان سجاد دیده می‌شود، توجه همزمان به نیازهای مخاطبین و ساکنین و تعریف فضاهای چندمنظوره و طراحی شده نظیر تلفیق مطلوبی از مبلمان‌های مختلف، المان‌های کاربردی و نقاط مکث که شاهد حضور اقشار مختلف در گروه‌های سنی در این خیابان هستیم. البته سابقه و کیفیت عملکردها و فعالیت‌های تجاری نیز در این موضوع بی‌تأثیر نخواهد بود به طوری که عموماً جز اولین انتخاب شهروندان برای حضور می‌باشد.

- وجود فعالیتهای تجاری، مراکز خرید و راسته‌های پویای تجاری در حاشیه این خیابان حاکی از تغییر رویکردها در استفاده مردم از فضاهای عمومی و طرح خاص خیابان‌ها است به طوری که خرید گردشگری از جاذبه‌های بسیاری از خیابان‌ها شده است. بعد از خیابان سجاد، خیابان احمدآباد به عنوان دومین محور شاخص در این زمینه توانسته جاذب شهروندان باشد.
- با توجه تغییرات گرایش‌ها و تمایلات فردی و همچنین گسترش و همه گیر شدن فضاهای مجازی نیاز افراد به خلوت، گوشه نشینی در فضاهای عمومی روبه افزایش است. عموماً نتیجه چنین تمایلاتی نیاز به فضاهایی برای گوشه‌نشینی و خلوت‌گزینی در عرصه‌های مختلف است. به طوری‌که در پرسه‌زنی‌های متعدد در خیابان‌های مورد مطالعه افرادی دیده می‌شدند که به تنهایی و برای رسیدن به خلوت فردی در فضا حضور پیدا کرده‌اند. از این رو است که در خیابان سجاد که به لحاظ سنجش کلیه متغیرهای امتیاز بالایی کسب نموده، در زیرمعیار "امکان مکث طولانی" به شدت ضعیف بوده است. لذا توجه به خلوت در فضاهای عمومی همزمان با سایر کیفیات از اهمیت بالایی برخوردار است که به راحتی نیز محقق نمی‌شود.

منابع و مأخذ:

- ۱- پارسی، ح. ۱۳۸۱. شناخت محتوای فضای شهری. هنرهای زیبا (۱۱): ۴۱-۴۹.
- ۲- پور احمد، ا.، حبیبی، ک.، کشاورز، م.، ۱۳۸۹. سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، (۱): ۷۳-۹۲.
- ۳- پورجعفر، م.، محمودی نژاد، ه.، ۱۳۸۸. طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری. تهران: حله.
- ۴- جیکوبز، آ.، ۱۳۸۸. خیابان‌های ویژه و برنامه‌ریزی شهری. آبادی، ۱۹ (۶۳): ۴۴-۴۷.
- ۵- خلیل‌اللهی، آ.، ۱۳۹۳. خلق زندگی اجتماعی در فضاهای شهری. دومین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری. تبریز: دبیرخانه دائمی کنگره.
- ۶- دانشپور، س.ع.، چرخچیان، م.، ۱۳۸۶. فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. باغ نظر، بهار و تابستان (۷): ۱۹-۲۸.
- ۷- رفیعی، ا.، رضوانی، ا.، کریمی مشاور، م.، ۱۳۹۲. بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت فضایی میداين با رویکرد طراحی شهری. گزارش شماره ۱۷۳، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- ۸- شجاعی، د.، پرتوی، پ.، ۱۳۹۴. عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران). باغ نظر، ۱۲ (۳۴): ۹۳-۱۰۸.
- ۹- صدیق، م.، حسینی، س.ب.، ۱۳۸۹. آموزش اسکيس طراحی شهری (جلد پنجم). مشهد: کتابکده کسری.
- ۱۰- عبدالله زاده، م.، ۱۳۹۱. فضاهای باز شهری، عرصه‌ی پویای شهر. ماهنامه دانش نما، ۲۱ (۲۱۳-۲۱۴): ۱۱۹-۱۲۵.
- ۱۱- عندلیب، ع.، بیات، ا.، رسولی، ل.، ۱۳۹۲. مقایسه و تطبیق بازآفرینی بافت‌های فرسوده‌ی شهری بلوک خیام تهران (ایران) و پروژه لیورپول ۱ (بریتانیا). آمایش محیط، (۲۳): ۷۹-۱۰۴.
- ۱۲- قدیری، ش.، ۱۳۹۲. گردشگری شهری و پیاده راه‌های تهران. چهارراه، (۴ و ۳): ۸۸-۹۰.
- ۱۳- کربلایی حسینی، ا.، بهزادپور، م.، ۱۳۹۸. ارائه مدل ساختاری به‌منظور بررسی روابط بین مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان‌های پیاده مدار (مطالعه موردی: خیابان خیام و خیابان سپه قزوین). آمایش محیط، (۴۴): ۱۲۶-۱۰۵.

- ۱۴- گل، ی.، (۲۰۱۰). شهر انسانی. ت: علی غفاری و لیلا غفاری (۱۳۹۲). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۵- گل، ی.، سوار، ب.، ۲۰۱۳. چگونه زندگی همگانی را مطالعه کنیم. ت: مصطفی بهزادفر، محمد رضایی ندوشن و احمد رضایی ندوشن (۱۳۹۴). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۶- گلکار، ک.، ۱۳۷۹. مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. صفه، (۳۲): ۳۸-۶۵.
- ۱۷- لطفی، س.، گل مکانی، ا.، حسین پور، م.، و شعله، م.، ۱۳۹۳. تدوین چارچوب طراحی شهری برای خیابان ملاصدراى شیراز با رویکرد افزایش تعاملات اجتماعی. مدیریت شهری، پاییز (۳۶): ۹-۲۴.
- ۱۸- مسعودی، ک.، ۱۳۸۶. فضاهای عمومی شهری، جایگاه تعامل اجتماعی. شهرداریها، (۲۶): ۳-۱۹.
- ۱۹- موحد، ع.، شمعی، ع.، اسدی، ا.، ۱۳۹۸. سنجش کیفیت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر خیابان رودکی و آذربایجان در محله سلسبیل شمالی تهران. آمایش محیط، (۴۵): ۷۱-۹۴.
- ۲۰- میثاقیان، غ.، ۱۳۸۸. تأملی در مفاهیم فضای شهری. آبادی، ۱۹ (۶۳): ۱۶-۱۹.
- 21- Cullen, G. (1961). *The concise Townscape*. London: Architectural Press.
- 22- Gehl, J. (2010). *Life between Building*. New York: Germann-Chiari. C. and K.
- 23- Jacobs, J. (1961). *The Death and Life of Great American Cities*. New York: Vintage Books.
- 24- Mehta, V. 2014. Evaluating public space. *Journal of Urban Design*, 19(1), 53-88
- 25- Mitcherlich, A. (1963). *Die Unwirtlichkeit Unserer Stadte; Anstiftung Zum Unfrieden* [The harshness of our cities; incitement to unrest. Frankfurt: Edition Suhrkampverlag.
- 26- Whyte, W. 1980. *Social life of small urban space*. Conservation. Retrieved november 10, 2014. from Project for Public Spaces. US non profit organization for creating and sustaining public places: www.pps.org